

قانون اساسی - مجلس موسسان و ...

این نوشته استاد امیرفیض رو به «جاوید ایران» در پی برنامه گفتگوی آقای دکتر نصر اصفهانی و بانودکتر مهرا ملکی در برنامه تلویزیونی روز یکشنبه ۲۳ جولای ۲۰۱۷ در پی انتقاد جاوید ایران نوشته شده است. انتقاد جاوید ایران در پایین این نوشته گنجانده شده که استاد حقوقدان به موارد آمده در آن انتقاد اشاره ای ندارند و رهنمود های بیشتر ارائه فرموده اند که جهت آگاهی همگان منتشر میشود.

((جاوید ایران - ایرانیارگرمی

امیرفیض- حقوقدان

با تشکر از اینکه در جریان برنامه مشترک جبهه هماهنگی و خانم دکترمهرا ملکی قرارگرفتم یاد های زیر برسم نظرتقدیم میگردد.

*** اظهارات سرکارخانم دکترمهرا ملکی درباره قانون اساسی مشروطیت و تداوم مشروعیت آن باعث مسرت و ناسخ نظرات سابق ایشان نسبت به قانون اساسی مشروطیت تلقی و برکات دانش سیاسی و علو درک مسائل حقوقی ایشان تقدیر آمیز است.

*** اظهارنظرایشان نسبت به تلاش ناموجه برخی افراد برای تنظیم قانون اساسی و یا تهیه پیش نویس، یک برداشت حقوقی و رعایت سنت مشروطیت و سزاوار آفرین است، زیرا سه باری که مجلس موسسان در ایران تشکیل شده هر سه مجلس در تهران شکل گرفت و این یک سنت مشروطیت است که مجلس موسسان باید در تهران تشکیل شود.

اما مسئله مهم، ایجاد مشروعیت است برای تنظیم قانون اساسی که این مشروعیت از جانب مجلس موسسان به گروهی که منصوب و منتخب آن مجلس هستند داده میشود، بنابراین اینکه افرادی سر خود به تنظیم قانون اساسی مبادرت کنند میتواند یک تمرین حقوقی محسوب شود ولی نمیتواند بعلت عدم مشروعیت واجد اعتبار باشد.^۱

*** اظهار تاسف سرکارخانم کاملا بجاست اگر مجاز باشد که کسی در اطاق اجاره ای کنگره آمریکا قانون اساسی بنویسد و به آن اصالت داده شود، این رویه ضابطه ای میگردد تا ایرانیانی که در هر کشوری در جهان هستند همین برنامه را تجدید کنند... هر ج و مرج بی سابقه ای که در هیچ زمانی در دنیا دیده نشده است تحمیل فضای حقوق سیاسی ایرانیان شود.

۱- ای کاش این مهم به درک رسوبی کسانی مانند فخرآور؛ و آقای دکتر! نصر احمدی، سهراب چمن آرا و دیگران که قانون اساسی ها ی «من نوشته» ارائه میدهند، می رسید. ح-ک

ایرانیان نباید برای خود مطرح بودن بقول معروف برای یک دستمال قیصریه یعنی سنت مشروطیت ایران را زیر پا بگذارند. درست است که در طول سالهای مبارزه کسانی شاید حدود ۱۳ تن به تنظیم قانون اساسی بعد از سقوط جمهوری اسلامی خود نمائی کرده و بجائی هم نرسیده اند، ولی این حرکات نشانی از شعور و درک ایرانیان خارج از کشور را میتواند علامت بدهد، علامتی که حقیقت در آن نیست.

**** درتوصیه های سیاسی سرکارخانم به همه پرسى برای نوع نظام آینده اشارهای ناموزون**

داشت. ۲ **توجه مشترکمان همراه این دقت است که حتی مخالفان امروز جمهوری اسلامی نمیتوانند خواهان همه پرسى برای تعیین نوع نظام باشند،** زیرا بنظر آنها جمهوری اسلامی برخاسته از حاکمیت مردم و انقلاب اسلامی بوده است، این باور نه اجازه براندازی جمهوری اسلامی رابه آنها میدهد و نه همه پرسى برای تغییر نظام را، فقط طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی با رعایت تشریفات مقرر در آن قانون حق اصلاحاتی را در قانون اساسی به آنها میدهد. ۳

همانطور که استحضاردارید مبارزه سیاسی دمکراتیکی، **باید براساس قانون اساسی** باشد، رفرا اندم سال ۵۸ و ۴۰ سال تبعیت و بیعت قانونی با جمهوری اسلامی اجازه حرکت بسوی براندازی جمهوری اسلامی را به کسانی که به جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن رای داده اند نمیدهد، تاچه رسد به شرکت در همه پرسى برای تعیین نظام.

**** حق مشروع و قانونی براندازی جمهوری اسلامی از آن کسانی است که برای جمهوری اسلامی قائل به مشروعیت نیستند، مانند سرکار خانم که فصل مشبهي از نظراتشان متوجه عدم مشروعیت جمهوری اسلامی به ملاحظه دخالت بیگانگان درشورش ۵۷ بوده است، که بازم سزاوار آفرین ها هست.**

عدم مشروعیت ظهور جمهوری اسلامی به معنای تداوم مشروعیت نظام پادشاهی است که از سوی فرقه تبهکار جمهوری اسلامی با حمایت بیگانگان از جریان تداوم خارج شده است، و **پس از سقوط و رفع تصرف غاصبانه جمهوری اسلامی، تداوم اجرائی قانون اساسی و سلطنت مشروطه همچنان در مقام حقوقی و قانونی خود برقرار میگردد** و اصلاحات لازم در قانون اساسی در جریان تداوم سلطنت انجام پذیر میگردد یعنی همان حقیقتی که در بخش آخرین سخنان خانم مهرا ملکی ظهور یافت. ۴

**** بحث دولت موقت هم در ملاحظات سرکارخانم ظهور داشت. امید وارم ایشان هم با این عقیده حقوقی همراه باشند که دولت موقت حتی پیش از سقوط جمهوری اسلامی از واجبات است، کما اینکه سنگر ها از همان نخستین سالهای دهه ۶۰ آنرا بکرات ترویج داد؛ و بیشتر از آن برنامه سقوط جمهوری اسلامی و پیش بینی پیامد های آن و جلوگیری از خسارات و صدمات بیشتر حتی تشکیل مجلس موسسان باید از سوی**

۲- توجه دارند که اشاره به «اشاره های سیاسی» است و از جایگاه حقوقی سرچشمه ندارد. ح-ک
 ۳- ای کاش توجه کامل به این مهم بشود که همه پرسى و به لاتاری گذاری نوع رژیم به هیچوجه جنبه حقوقی و مجاز نمیگیرد. ح-ک
 ۴- به مفهومی دیگر انتقادی که به اجرای همه پرسى پیشنهادی جبهه هماهنگی و کنگره همبستگی ایرانیان و تا حدودی تایید بانو ملکی در گفتگو به آن اشاره شده است درست بود و همه پرسى و لاتاری گذاشتن نوع رژیم آینده وجهه حقوقی ندارد. ح-ک

دولت موقت صورت گیرد ولی دولت موقت برای آنچنان اقدامات و بسیار اقداماتی که قابل پیش بینی نیست باید دارای مشروعیت باشد و این مشروعیت به اعتبارقانون اساسی مشروعیت که زیربنای مشروعیت دولت موقت است تنها و تنها ازسوی شاه یعنی اعلیحضرت رضاشاه دوم ایجاد شدنی است و تنها این مشروعیت است که آشنا ومورد قبول مردم است.^۵

مقصود از این تصدیع این است که نفس تشکیل دولت موقت را نمیتوان محکوم کرد ولی دولت بدون فرمان شاه دولت محکوم وخودسرانه ای است که محکومیت آن حقوقی است.

برای استحضار سرکارخانم تاکنون بسیاری دولت روی کاغذ تشکیل داده که آخرین آنها حکومت ملی آقای شهرام همایون است.

**** اعتباری که سرکارخانم برای قانون اساسی مشروعیت قائل شده اید موجب دلشادی همگان است زیر درگذشته چنین نظر حقوقی قابل تقدیری نسبت به قانون اساسی مشروعیت نداشته اید و یا بنده کاشف این مهم نبوده ام.**

**** خوشوقتی متقابل در آنجاست که کم، کم مسیر درک دقایق ومراتب حقیقت مبارزه برای حفظ تداوم اجرائی وحقانیت قانون اساسی مشروعیت؛ در جهت فرهنگ وهویت تاریخ قرار میگیرد؛ چنانکه در آن برنامه، تغییر نظرات آقای دکتر نصر اصفهانی در عدول از همه پرسشی برای تعیین نظام آینده کشور از جمهوری ویا سلطنتی که مورد مناقشه با حقوق سنتی سلطنت بود وسالها از این گمراهی دفاع میکردند سراغاز تحولاتی باشد که برموانع کاغذی غالب آید.**

**** موقع را معتتم دانسته از تعلیمات وتوصیه های سرکارخاتم خاصه حمایت از تداوم مشروعیت قانون اساسی ونظام سلطنتی ورضاشاه دوم قلبا خوشحال وسپاسگزاری مینمایم.**

با احترام و آرزوی پیروزی))

انتقاد ارانه شده از سوی جاوید ایران:

((با درود

در برنامه هفتگی جبهه هماهنگ مبارزان یا همان شقه ای از کنگره همبستگی ایرانیان مربوط به آقای دکتر نصر اصفهانی در روز یکشنبه (۲۳ جولای ۲۰۱۷) که با همکاری بانو مهرا ملکی اجرا شده موضوع مهم قانون اساسی، مجلس موسسان، تعیین نوع رژیم آینده و مقایسه ای که آقای رضا تقی

۵- این مورد نه به این صورت دقیق حقوقی ولی بصورتی در انتقاد ارانه شده از سوی «جاوید ایران» آمده است، که بدون توسل به قانون اساسی مشروعیت (۱۹۰۶ و متمم آن) امکان براندازی و براه اندازی جلس موسسان فراهم نمیشد و همین نکته حقوقی ثابت میکند بدون بازگشت به قانون اساسی گذشته امکان حقوقی وزمینه تشکیل موسسان فراهم نخواهد بود. ح-ک

زاده (بدون بردن نام او) بین فرقه جنایتکار مجاهدین خلق با اعلیحضرت رضا شاه دوم داشته است دور میزد.

آقای دکتر نصر اصفهانی به چند گونگی و پراکندگی نظر (دقت کنید نظر ها) که در رابطه با قانون اساسی وجود دارد اشاره میکنند. همانطور که میدانیم از دیدگاه حقوقی، یک «نظر» نه اعتبار دارد و نه قابلیت اجرایی دارد و نه استناد حقوقی میتواند داشته باشد. ایشان اشاره به کسانی که قانون اساسی نوشته اند برخی که هم برای جمهوری قانون نوشته و هم برای نظام پادشاهی و دیگری که تنها به جمهوری تکیه کرده اند، و کسانی که قانون اساسی را با نظر های شخصی خودشان یا با همکاری بیگانه و کنگره آمریکا نوشته شده است ... اشاره میکنند. بانو مهرا ملکی مورد پرسش قرار میگیرند چگونه بایستی در فردای سرنگونی رژیم اسلامی با قانون اساسی برخورد کرد مطالبی میفرمایند که در برخی موارد درست و در برخی موارد بسیار نادرست و غیر قانونی است.

نخست آنکه بانو مهرا ملکی یک تاریخ شناس و تاریخدان است و نظر (نظریه) های ایشان از نظر حقوقی نمیتواند مستند و گویا و قابل استناد باشد.

بانو مهرا ملکی، در گذشته به گوش من گفته اند که قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم های آن همگی «ملا نوشته» است و اعتبار ندارد. بنابراین استناد ایشان به قانون اساسی و اشاره به موردی که مربوط به مجلس موسسان در راستای قانون اساسی مشروطه پادشاهی ۱۹۰۶ و متمم آن میشود نمیتواند درست بوده باشد. ایشان اصل را نمیپذیرد ولی در این گفتگو در یک مورد اشاره میکنند قانون اساسی مشروطه به تشکیل مجلس موسسان اشاره دارد و موضوع تغییر از دوران قاجار به پهلوی و چند ماده قانون اساسی را به آن استناد میکنند.

بانو ملکی که در حد دکترا آموزش دیده و تجربه دارند بخوبی میدانند که؛ اگر اصلی وجود ندارد بنابراین نمیتوان شاخه و فرع هارا به آن استناد کرد.

بانو مهرا ملکی، با الهام از گفته های آقای دکتر نصر اصفهانی، که به نظر و نیت کنگره همبستگی ایرانیان و جبهه همآهنگ مبارزان تاکید میکنند مردم را به میان کشیده در تعیین نوع حکومت آینده دخالت میدهند و میگویند پس از سرنگونی رژیم اسلامی که بخودی خود قانون اساسی رژیم اسلامی هم از بین میرود و بی اعتبار میشود، دیگر قانونی وجود ندارد و مردم در یک رفتارند به نوع حکومت رای داده و بین پادشاهی و جمهوری (چگونه جمهوری آنهم بحث دیگری است) رای میدهد و سپس «مجلس موسسان» تشکیل شده و قانون اساسی می نویسند.

گفتن این جمله ممکن است بنظر بسیار آسان بیاید. ولی بارها در گذشته هم نوشته شده و از همین ایمیل جاوید ایران پخش شده که این رژیم بی قانون و آنارشسیسم خود در کمال بی قانونی است و هرکسی از هر سو یک گونه روشی در اداره امور جاری کشور اعمال میکند پس از سرنگونی که هیچکس هیچ قانون آنرا نمی پذیرد در یک بلبشو و خلاء سیاسی غریبی از نظر قانون قرار خواهد گرفت که در آن بلبشو اگر قانونی مستقر نباشد ممکن است به جنگ داخلی بکشد یا به آنارشسیسم و فاشیسم سیاسی مذهبی بیافتد. در آنصورت آقای دکتر نصر اصفهانی یا بانو مهرا ملکی براساس کدام مستندات قانون و براساس کدام قوانین و با چه شرایط و بر بنیاد کدام دستور العمل ها مجلس موسسان تشکیل خواهند داد؟؟ کدام

اصول؟؟ شما اصل را که نپذیرفتن قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن است را از بین میبرید در صورتیکه در فحوای کلام و گویش خود بی اندازه به بازگشت به گذشته گرایش نشان می دهید ولی اصل حقوقی آن گزینه را از بین برده بحساب می آورید و در ضمن می خواهید بدون دخالت دادن آن اصل ها مردم را به روز های پیش از سال ۱۹۰۶ دروان مظفرالدین شاه قاجار ببرید و تازه آغاز به نوشتن قانون اساسی تازه ای بکنید. ولی، ولی صحبت از مجلس موسسان که تنها در قالب قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن مشروعیت حقوقی بخود یافته است میکنید...

دردنیای امروز، که همه جا قانون حاکم است به مجرد آنکه قانون ها حذف شوند حتا یک جریمه نقدی یا حقوقی سرعت رانندگی قابل اجرا نیست تا چه برسد شما مجلس موسسان برای حکومتی تشکیل بدهید که در یک رفتارندم مردم نوع آنرا تعیین کرده اند!! شما همان رفتارندم را برچه اساسی برگذار خواهید کرد. بدون حضور قانون (قانون مشروطه را نسخ کرده اید و قانون جمهوری اسلامی را هم که بکلی کسی قبول ندارد)، بر کدام اساسی حقوقی شما اصول و ضوابط برگزاری رفتارندم را سوار خواهید کرد؟؟

در فاصله ای که مجلس موسسان قانون اساسی تازه ای بنویسد و به تصویب مردم برساند چه قانونی بر کشور حاکم خواهد بود؟؟ در فاصله ای که مردم به حساب گفته شما نوع حکومت را مشخص کند بر چه قوانینی کشور اداره خواهد شد... بی قانون!!!؟؟

به این گفتار گوش کنید، ایراد های حقوقی دیگری بر آن وارد است که وارد شدن به جزییات عمر نوح میخواهد.

بانو مهرا ملکی در گفتارشان میگویند، و ایراد دارند که این کسانی که به تنهایی قانون نوشته اند و در راحت بیرون کشور نشسته اند و با اتکا به بیگانه ها قانون برای مردم وضع میکنند چگونه بخودشان اجازه میدهند بدون داشتن تخصص حقوقی در امور قانون اساسی و حقوق ملت ها دوگونه گویی بکنند هم قانون اساسی مشروطه ۱۹۰۶ را باطل اعلام کنند هم آنرا بهترین سند تاریخی کشورمان بدانند و زحمت پدران قانونگذار کشورمان در سال ۱۹۰۶ را بدرستی بستانند و هم به دلیل دوسه مورد قابل حل مربوط به دین اسلام همه قانون را باطل اعلام کنند و هم در ضمن آنرا قابل اصلاح بدانند. !!

قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن هرگز نه در دوران قاجار و نه در دوران پهلوی از آن چند مورد که به زور آخوند ها به قانون چپانده شده بود به دلیل بلبشویی بین آخوند ها و بیعرضگی و بی لیاقتی خود آیت الله ها استفاده نشده بود و بنابراین موادی بی مصرف بود و بصورتی کاملا سکولار عمل کرده بود. وگرنه با استناد به آن مواد قانونی دولت های دوران پهلوی و مجلس های آن دوران نمیتوانست قانون مدرسه ودانشسرا ها و پرستاری زنان، آزادی زنان، ۱۷ دیماه، قانون حق انتخاب شدن و انتخاب کردن بانوان، و وزیر و مدیر کل شدن زنان و سپاه دانش دختران و ارتشیان دختران وظیفه و پلیس و خلبان زن را در کشور جاری سازد. سند سکولاریسم آن قانون به این چند مورد خلاصه نمیشود. قاضی شدن همین شیرین عبادی که امروز به اسلام چسبیده و بجای ایرانی بودن خود را یک قاضی اسلامی و یک زن اسلامی میدانند بر اتکای آن قانون اساسی ۱۹۰۶ بوده است. اگر بانو مهرا ملکی صاحب دکترا و آموزش بالا شده اند به اتکای همان قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن بوده مگر میشود از مزایای قانون استفاده مفید کرد ولی آن قانون را ملغی اعلام کرد؟؟

البته پرسش های آقای دکتر نصر اصفهانی در جهتی قرار دارد که پاسخ های مقتضی در آن جهت دریافت میکنند.

اینجا را گوش کنید و بنا به درخواست آقای دکتر نصر اصفهانی هرگونه انتقاد منفی یا مثبت دارید را به ایشان بفرمایید و از حقوق خود دفاع کنید.

https://www.youtube.com/watch?v=s_AAb97gIGI

((ح-ک))